

در روزگاری که فناوری‌های نوین چون هوش مصنوعی و تغییرات سریع در دنیای کار و زندگی، هر روز مهارت‌های جدیدی را از نسل آینده می‌طلبد، عمده مدارس در همان مسیر سنتنی گذشته‌ت‌گام برمی‌دارند. متأسفانه هنوز هم، تمرکز اصلی روی محفلیات و نمرات است، بدتر آنکه به برنامه‌های درسی سنگین و قدیمی‌اند و مهارت‌آموزی عملی و تفکر خلاق هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. در واقع نسلی که باید آماده زندگی در دنیای پیچیده و پویای آینده شود و برای شغل‌های جدید آمادگی داشته باشد، امروز با غرق شدن در اطلاعات محفلی کتب درسی، فرصت‌ها را یک به یک از دست می‌دهد. از سوی دیگر، تعطیلات مکرر مدارس، کمبود امکانات و برنامه‌های درسی بدون کاربرد، زخم کهنه آموزش و پرورش را عمیق‌تر می‌کند. و میان دانش‌آموزان با دنیای واقعی فاصله می‌اندازد. بدون شک اگر انتظار داریم مهارت‌آموزی، تفکر خلاق و توانایی حل مسئله در نسل آینده شکل بگیرد، باید از همین حالا دست‌به‌کار شویم. باید در برنامه‌های درسی سنتی بازنگری شود، باید معلمان و مدیران در آموزش‌های عملی و محیط‌های مثبت یادگیری توانمند شوند و خانواده، مدرسه و رسانه در یک مسیر همسو و هماهنگ قرار گیرند. موضوعی که رضوان حکیم‌زاده، معاون خاندایی وزارت آموزش و پرورش نیز در گفت‌وگو با «جوان» بدان اشاره می‌کند و از برنامه‌ها، چالش‌ها و مسیر واقعی تحول در آموزش ابتدایی می‌گوید.

■ ■ ■

بسیاری از کارشناسان حوزه آموزش و حتی معلمان معتقدند کودکان با حجم زیادی از خلاقیت و استعداد وارد مدرسه می‌شوند، اما بعد از نشستن پشت نیمکت‌ها و قرار گرفتن در چارچوب‌های ذهنی محدود، بخش زیادی از توانمندی‌هایشان از بین می‌رود. با این مسئله چگونه می‌توان بر خودرود کرد؟ و در این زمینه چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

نکته بسیار مهم این است که کودکانی که امروز با آنها سروکار داریم، «کودکان عصر هوش مصنوعی» هستند. ویژگی‌ها، شیوه فکر کردن و زیست آنها نسل‌های قبلی کاملاً متفاوت است. ما با نسل رویبرو هستیم که در دل فضای دیجیتال رشد کرده و تغییرات بین‌نسلی در مورد آنها بسیار عمیق‌تر از گذشته است.

در چنین شرایطی، هم خانواده‌ها و هم نظام آموزشی ممکن است دچار غفلت‌هایی شوند، یکی از مهم‌ترین این غفلت‌ها، یکسان دیدن همه دانش‌آموزان و تلاش برای دیکته کردن امور و انتظار اطاعت بی‌چون‌وچراست. امروز دیگر نمی‌توان مثل گذشته صرفاً به دانش‌آموز دستور داد. دانش‌آموز امروز پرسشگر است و چرایی برایش اهمیت جدی دارد. خانواده و مدرسه دیگر نمی‌توانند بدون توضیح و منطق، او را به انجام کاری وادار کنند و برای تعامل مؤثر با این نسل، ناچار به استفاده از روش‌های جدید هستیم.

در سطح مدرسه و نظام آموزشی، با توجه به برنامه تحصلی که مورد تأکید رئیس‌جمهور هم بوده، اصلاح روش‌های آموزش و یادگیری در دستور کار قرار گرفته است. هدف اصلی این برنامه، تغییر محیط یادگیری در کلاس درس است، یعنی خروج از فضای سنتی و منفعل و حرکت به سمت فضایی با نشاط، فعال و پویا. در این رویکرد، دانش‌آموز نقش اصلی را دارد و معلم دیگر متکلم وحده نیست، بلکه محور آموزش، یادگیرنده و تفاوت‌های فردی اوست.

در برنامه‌های درسی نیز تلاشی شده از اتکا صرف به کتاب درسی عبور کنیم و فرصت‌های متنوع تربیتی را در نظر بگیریم. از یادگیری محدود به کلاس و چارچوب‌های بسته، به سمت یادگیری باز حرکت کنیم، جایی که دیوارهای کلاس

و حتی مدرسه برداشته و جامعه هم به محیط یادگیری تبدیل می‌شود. این همان رویکرد آموزش و تربیت پیشرو است که در نظام‌های آموزشی پیشرفته دنیا دنبال می‌شود. اجرای این برنامه از سال گذشته آغاز شد و در تابستان ۱۴۰۴، معلمان سراسر کشور ابتدا در سطح استان‌ها و سپس در همه مناطق، آموزش‌های لازم را دریافت کردند و با سر فصل‌ها و روش‌های جدید تدریس آشنا شدند.

در این آموزش‌ها، موضوعاتی مانند تدریس فعال، کار گروهی، ایجاد محیط مثبت یادگیری و استفاده درست از هوش مصنوعی به معلمان آموزش داده شده‌است. حتی به چپمان کلاس‌ها هم توجه شده و تأکید داریم که فضا چنین صندلی‌ها هم باید برای کار گروهی مناسب باشد تا یادگیری به‌صورت مشارکتی اتفاق بیفتد. این روش‌ها به‌طور مستقیم به پرورش خلاقیت دانش‌آموز کمک می‌کند.

در زمینه هوش مصنوعی هم تلاش شده مسیر صحیح استفاده از آن مشخص شود، یکی از کاردهای مهم هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های بزرگ و کمک به شخصی‌سازی فرایند یادگیری است، به‌طوری‌که در کنار یادگیری جمعی، یادگیری فردی متناسب با ویژگی‌های هر دانش‌آموز نیز امکان پذیر شود.

البته این دغدغه فقط به مدرسه محدود نمی‌شود. ما با گروه بسیار مهمی به نام خانواده‌ها هم رویبرو هستیم. در برنامه‌های آموزش و پرورش، خانواده‌ها به عنوان شرکای یادگیری شناخته می‌شوند، اما واقعیت این است که بسیاری از خانواده‌ها به آگاهی تربیتی لازم نیاز دارند. گاهی انتظارات بیش از حد، مقایسه مداوم کودکان با نگاه قالبی به موفقیت، ناخواسته به کودک آسیب می‌زند.

برای پاسخ به این مسئله، برنامه‌ای با عنوان «سواد تربیتی والدین» طراحی کرده‌ام که اجرای آن به یکی از استان‌ها سیرده شده‌است. هدف این برنامه، ارتقای دانش، نگرش و مهارت‌های والدین است، اینکه بدانند چگونه با فرزندشان تعامل کنند، چه انتظاراتی داشته باشند، به چه نکاتی توجه کنند و چه کارهایی را نباید انجام دهند. نکته مهم اینجاست که تصور می‌شود سواد تربیتی فقط برای خانواده‌های کم‌سواد ضروری است، در حالی که در عمل، چالش اصلی بیشتر در مشترکی بوده‌اند.

وی افزود: «من همواره از دو مثلث طلایی در سازمان بهزیستی سخن گفته‌ام؛ یکی مثلث هدف که ناظر بر سلامت اجتماعی است، به این معنا که همه افراد جامعه از سلامت اجتماعی برخوردار شوند، خدمات با کیفیت ارائه شود و عدالت در دسترسی رعایت گردد. مثلث دوم، مثلث راهبردهاست که شامل خانواده‌محوری، زیست‌محله‌ای، مشارکت‌محوری و محل‌محوری می‌شود. اگر این راهبردها در سازمان نهادینه شود، می‌توانیم خدمات را به‌صورت عادلانه، استاندارد، فراگیر و با کفایت به همه افراد جامعه ارائه دهیم.»

طبق توضیحات وی در همین چارچوب، بحث چرخش از مرکزگرایی و مؤسسه‌گرایی مطرح می‌شود. در دنیا و ایران، سه مدل برای محله‌محوری وجود دارد؛ نخست، حضور سازمان‌های دولتی در محلات و ارائه خدمات محلی، دوم، ایجاد ساختارهای محلی مانند شوراهای معتمدین محله از طریق انتخابات و سوم، مدل خودیاری و همیاری داوطلبانه محلات. این مدل سوم از سال ۱۳۷۰ در سازمان بهزیستی تجربه شده‌است؛ از جمله در قالب گروه‌های همیار سلامت روان اجتماعی، گروه‌های خودیاری مالی، CBR و گروه‌های

محبوس شدن خلاقیت دانش‌آموزان پشت نیمکت‌های درس در گفت‌وگوی «جوان» با معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش

کودکان عصر هوش مصنوعی، مدرسه‌ای پویا با یادگیری باز می‌خواهند

به حوزه مأموریت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بازمی‌گردد، البته یک برنامه جدی و تحولی در دستور کار این سازمان قرار گرفته‌است، برنامه‌ای مفصل که اجرای آن به صورت آزمایشی آغاز شده و قرار است در پایان بهمن‌ماه، نشست ارزیابی اولیه آن برگزار شود.

از نگاه ما، با توجه به تحولاتی که در ویژگی‌ها، نیازها و شیوه‌های یادگیری دانش‌آموزان امروز رخ داده، تغییر برنامه درسی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. توجه به برنامه تحولی به معنای پذیرفتن صورت مسئله است، یعنی پذیرفتیم که برنامه‌های فعلی، هر چند قابل اتکا بوده‌اند، اما دیگر پاسخگوی شرایط و مطالبات جدید نظام آموزشی نیستند و لازم است بازنگری اساسی در آنها صورت گیرد.

یکی دیگر از موانع جدی در مسیر آموزش، تعطیلات بی‌درپی مدارس است که پیامدهای زبان‌بازی به دنبال دارد. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

آمارها تا پایان دی‌ماه نشان می‌دهد که در برخی استان‌ها تعطیلی آموزش حضوری در مدارس سه عده‌ای نگران‌کننده‌ای رسیده‌است، برای مثال در خوزستان ۳۳روز، تهران ۲۲، روست، سمنان ۲۰روز و آذربایجان شرقی ۱۹روز تعطیلی ثبت شده‌است. تعطیلی مدرسه یک چالش اساسی است و نیازمند توجه و تصمیم‌گیری در سطح ملی است. در این میان یک سؤال مهم و وجود دارد، اینکه آیا آموزش در خانه واقعاً جایگزین مناسبی برای مدرسه است؟ یا اساساً دانش‌آموزان در این شرایط در خانه نمی‌مانند؟ مشکل اینجاست که بسیاری از خانواده‌ها نسبت به این وضعیت معترضند و امکان نگهداشتن فرزندانشان در خانه را ندارند. خانواده‌های شاغل با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند. شخصاً شاهد بودم که در یکی از مناطق آلوده تهران، مادری دانش‌آموز کلاس اولی خود را به محل کارش آورده بود، چراکه نه امکان دور کاری داشت و نه می‌توانست برخصی بگیرد و مدرسه نیز تعطیل شده بود. این دانش‌آموز در شرایطی به مراتب نامناسب‌تر از فضای مدرسه قرار داشت.

بنابراین، باید بازنگری جدی در سازوکار تعطیلی مدارس صورت گیرد و این تصمیم در سامانه آموزش و پرورش تعریف شود. عدم هماهنگی و دخالت برخی دستگاه‌ها، این مسئله را پیچیده‌تر کرده‌است. مدرسه باید آخرین نهادی باشد که تعطیل می‌شود.

در دوران کرونا هم با تعطیلی آموزش حضوری مخالف بودم. حتی سازمان بهداشت جهانی هم اعلام کرد مدارس باید باز بمانند، اما تصمیمات دیگری گرفته شد و کشور ما بیشترین تعطیلی‌ها را تجربه کرد. نتیجه آن هم، آسیب به نظام آموزشی و نسلی شد که بسیاری از مهارت‌ها و سواد پایه را کامل نیاموخت.

به‌عنوان سؤال آخر، چه نکته یا توصیه‌ای را ضروری می‌دانید که مسورد توجه قرار بگیرد و باعث بهبود وضعیت آموزش و پرورش کشور شود؟

به نظر من، خانواده و مدرسه وقتی همسو و هم‌راستا حرکت کنند، می‌توانند تغییرات مثبت واقعی ایجاد کنند. امروز رسانه‌ها و فضای مجازی هم نقش بزرگی در تربیت و یادگیری کودکان دارند و نمی‌توان آنها به‌طور جدی کنار کرد، به‌خصوص که یک کودک ۱۲ تا ۱۴ساله فقط ۴۵ ساعت از روز را در مدرسه می‌گذرد.

با این حال، مدرسه همچنان نقش محوری دارد. در دوره ابتدایی تلاش کردیم معلمان و مدیران را برای ارتقای سواد تربیتی خانواده‌ها آماده کنیم تا نگاه یکپارچه و همسو شکل گیرد. معلمان و مدیران با تمام توان محلی‌ان و پرورشی فراهم می‌کنند و بازنگری مستمر در برنامه‌ها و روش‌ها، نشانه پویایی و حرکت روبه جلوت‌است. ادامه این مسیر با انسجام و هم‌افزایی می‌تواند اثرگذار آموزش را بیشتر کند.

«محیط مثبت یادگیری» را فراهم کنیم. این آموزش‌ها از طریق سیمینارها و وبینارها، حتی برای رؤسای مناطق و مدیران مدارس نیز اجرا شد. در بعد علمی، تمرکز ما مشخصاً بر این بوده که در بُعد عاطفی مثبت مدرسه چه اتفاقی باید بیفتد. تلاشمان را کردیم که آموزش‌ها کاملاً عملیاتی باشند و در فرآیند ارزیابی و نظارت نیز به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرند. البته نباید انتظار داشت که نتایج این اقدامات بلافاصله نمایان شود، ما به تدریج و گام‌به‌گام در این مسیر حرکت می‌کنیم.

سال گذشته جشنواره «روش‌های نوین تدریس» برگزار شد. در این جشنواره معلمانی که تجربه‌های موفق داشتند خواستیم فیلمی از کلاس درس خود را سال کنند. فیلم‌هایی که در آنها تدریس به روش فعال باشد و به مؤلفه‌هایی مانند محیط مثبت یادگیری، کار گروهی و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان پرداخته شده باشد. امسال نیز این جشنواره مجدداً برگزار خواهد شد.

علاوه بر این، اجتماعات یادگیری در فضای مجازی شکل گرفته‌است. در سامانه اجتماعات یادگیری، همه معلمان دوره ابتدایی عضو هستند و در گروه‌های ۱۵ تا ۲۰ نفره به تبادل نظر، تجربه و محتوای آموزشی می‌پردازند. در مجموع، این مسیرهای توسعه حرف‌های به‌تدریج اثرات آموزشی ملموسی ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز تحول واقعی در مدارس خواهد شد.

در حوزه استعدادیابی چطور؟ هر دانش‌آموز ویژگی‌های منحصر به‌فردی دارد، یکی در حفظ کردن توانمند است، دیگری در هنر و فردی دیگر در ورزش. با توجه به این تفاوت‌ها، چقدر توانسته‌ایم فرصت‌های متنوعی برای بروز استعدادها فراهم کنیم؟

هر دانش‌آموز ویژگی‌ها و استعداد‌های منحصر به‌فردی دارد که باید فرصت برای بروز این توانمندی‌ها مهیا شود. جشنواره «بابر بن حیان» که اکنون با عنوان «جابر و فرصت‌های یادگیری» برگزار می‌شود، علاوه بر علوم، زمینه‌هایی مثل هنر، ادبیات و شاهنامه‌خوانی و حافظ خوانی را هم پوشش می‌دهد. برنامه عید و هنر و داستان در نوروز با تأکید بر فعالیت‌های داستان‌خوانی، داستان‌نویسی و داستان‌گویی و همچنین تهیه فیلم کوتاه، نقاشی و عکاسی فرصت‌های عملی برای امایش علایق و استعداد‌ها فراهم می‌کند و به

دانش‌آموزان فرصت می‌دهد مهارت‌ها و علاقه‌هایشان را به شکل پروژه‌های قابل ارائه نشان دهند و این رویکرد، فرایند تفکر، مهارت‌زبانی و خلاقیت را تقویت می‌کند. در حوزه ورزش نیز، مسئولیت اصلی بر عهده معاونت تربیت‌بدنی است که خوشبختانه همکاری بسیار خوبی در رابر گزار می‌کند و تلاش شده اجرای درست درس تربیت‌بدنی در دوره ابتدایی به صورت جدی‌تر مورد توجه قرار گیرد تا سواد حرکتی دانش‌آموزان افزایش یابد. امروز هم خانواده‌ها و هم مدرسه توجه بیشتری به پرورش استعداد‌های ورزشی و تخصصی دارند و ادامه این مسیر می‌تواند دستاوردهای آموزشی تربیتی بیشتری به همراه داشته‌باشد.

با این حال، موانع متعددی بر سر راه اجرای این برنامه‌ها وجود دارد، غیر ضروری در کتاب‌های درسی، تراکم بالای کلاس‌ها و همچنین کمبود امکانات، راهکار عبور از این موانع چیست؟ بخشی از این موضوع



آموزش‌هاست. کودکان همیشه نمی‌توانند احساسات خود را به‌صورت شفاف بیان کنند، اما به‌خوبی فضای کلاس و رفتار معلم را درک می‌کنند. وقتی تشویق مناسبی دریافت می‌کنند و احساس امنیت دارند، فعال‌تر می‌شوند و مشارکت بیشتری نشان می‌دهند. در مقابل، اگر به احساسات آنها بی‌توجهی شود و محیطی امن وجود نداشته‌باشد که دانش‌آموز بتواند بدون ترس از درست یا غلط بودن پاسخ، نظرش را بیان کند، فرایند یادگیری مختل می‌شود. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد یکی از عوامل مهم امغفل در آموزش فضای عاطفی و روانی کلاس است، فضایی که به کیفیت تعامل دانش‌آموز با معلم و دیگر دانش‌آموزان بستگی دارد.

در هر خانه کشوری تلاش کرده‌ایم تادر محور «محیط مثبت یادگیری»، معلمان مهارت‌ها و آموزش‌های لازم را کسب کنند. تأکید ما بر این است که همه کودکان، فارغ از سطح علمی، شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خانواده‌شان، احساس ارزشمندی کنند و بدانند که به مدرسه و کلاس تعلق دارند. این احساس ارزشمندی، یکی از اهداف سه‌گانه ما در حوزه عدالت، کیفیت و احساس تعلق است. دانش‌آموز زمانی که خود را مهم و دیده‌شده بداند، انگیزه بیشتری برای حضور در مدرسه و یادگیری پیدا می‌کند.

برنامه‌ها و طرح‌های متعددی در وزارت آموزش و پرورش وجود دارد که شما نیز به برخی از آنها اشاره کردید. این برنامه‌ها هر چند امیدوارکننده‌اند و می‌توانند در تحول مدرسه اثرگذار باشند، اما چه میزان از آنها در عمل در مدارس کشور اجرا می‌شود؟

گام نخست ما، ارائه آموزش‌ها بوده‌است. تلاش کردیم همه مدارس را تحت پوشش این آموزش‌ها قرار دهیم و زمینه ایجاد یک

رئیس سازمان بهزیستی کشور:

مشکلات محلات با «سلام» بر طرف می‌شود



محب که از دل محلات شکل گرفتند. طرح «سلام» هم با تکیه اصلی بر همین مدل سوم طراحی شده‌است؛ یعنی محله‌محوری واقعی که فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت‌جویانه و سازمان‌یافته از دل خود محله شکل می‌گیرد. البته این طرح به صورت تلفیقی از دو مدل دیگر نیز بهره می‌برد و دولت نقش حمایتی و تسهیل گر خواهد داشت، اما نقطه مرکزی آن، همیاری و خودیاری محلی است.

حسینی با اشاره به سوابق نظری و تجربی گفت: «هدف طرح سلام شناسایی ظرفیت‌های توانمندساز محلات، هم‌افزایی منابع، توسعه مشارکت بین‌بخشی، تقویت

آموزش و توانمندسازی گروه‌های مردمی

به گفته حسینی در حال حاضر، شبکه‌های گسترده‌ای از گروه‌های مردمی فعال در کشور وجود دارد؛ از جمله بیش از ۱۵ هزار گروه خرد مالی با بیش از ۵۰۰ هزار عضو و همچنین شکل‌های فعال در حوزه سلامت اجتماعی و توان‌بخشی که در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها در فاز جدید اجرای طرح «سلام» وارد چرخه فعالیت دهم‌دوم و نسجم خواهند شد.

وی افزود: «ساماندهی و جذب گروه‌های موجود با ایجاد گروه‌های جدید برای فعالیت‌های اجتماعی محله‌محور، گام بعدی طرح است و سازمان بهزیستی نقش اصلی خود را در هر مرحله ایفا می‌کند. مهم‌ترین مسئولیت ما، آموزش و توانمندسازی داوطلبان است.»

حسینی در تشریح آخرین آمار اجرای طرح گفت: «تاکنون ۶۴۸ کانون محله‌محور با آدرس دقیق شناسایی شده و ۲۵۶ تسهیل‌گر ماهر آموزش‌دیده در طرح فعال

هستند. هیچ دستگاهی به اندازه سازمان بهزیستی نیروی تسهیل‌گر محلی آموزش‌دیده برای اجرای خدمات محله‌محور در اختیار ندارد. تاکنون ۲۰ هزار و ۶۴۲ نفر به‌عنوان داوطلب ثبت‌نام کرده‌اند که این رقم با برگزاری رویداد چهاردهم بهمن‌ماه به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.»

به گفته وی از مجموع کانون‌های شناسایی‌شده، ۴۹۱ مسجد، ۲۳۷ مدرسه، یک‌هزار و ۵۶۳ مرکز مثبت زندگی و سایر فضاهای محلی شامل فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، مراکز مشاوره، حسینیه‌ها، سالن‌های ورزشی و کانون‌های بازنشتی در اجرای طرح مشارکت دارند.

را ارائه داد. طبق توضیحات حسینی مشارکت مردمی یکی از مؤلفه‌های بنیادین توسعه اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی است و زمانی اثربخش خواهد بود که بر آگاهی، منطق و اقتناع اجتماعی استوار است. بررسی تجربه‌های موفق نشان می‌دهد اگر چه همه طرح‌های مشارکتی به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند، اما طرح‌های موفق دارای شاخص‌های مشخص و مشترکی بوده‌اند.

وی افزود: «من همواره از دو مثلث طلایی در سازمان بهزیستی سخن گفته‌ام؛ یکی مثلث هدف که ناظر بر سلامت اجتماعی است، به این معنا که همه افراد جامعه از سلامت اجتماعی برخوردار شوند، خدمات با کیفیت ارائه شود و عدالت در دسترسی رعایت گردد. مثلث دوم، مثلث راهبردهاست که شامل خانواده‌محوری، زیست‌محله‌ای، مشارکت‌محوری و محل‌محوری می‌شود. اگر این راهبردها در سازمان نهادینه شود، می‌توانیم خدمات را به‌صورت عادلانه، استاندارد، فراگیر

و با کفایت به همه افراد جامعه ارائه دهیم.» طبق توضیحات وی در همین چارچوب، بحث چرخش از مرکزگرایی و مؤسسه‌گرایی مطرح می‌شود. در دنیا و ایران، سه مدل برای محله‌محوری وجود دارد؛ نخست، حضور سازمان‌های دولتی در محلات و ارائه خدمات محلی، دوم، ایجاد ساختارهای محلی مانند شوراهای معتمدین محله از طریق انتخابات و سوم، مدل خودیاری و همیاری داوطلبانه محلات. این مدل سوم از سال ۱۳۷۰ در سازمان بهزیستی تجربه شده‌است؛ از جمله در قالب گروه‌های همیار سلامت روان اجتماعی، گروه‌های خودیاری مالی، CBR و گروه‌های

از جشنواره تا مسابقه محلی، همگی قرار است با طرح «سلام» در محلات راه‌اندازی شود. آن‌طور که رئیس سازمان بهزیستی گفته، طرح محله‌محور «سلام» قرار است مشکلات اجتماعی محلات را با هسته‌های مردمی شناسایی و با تسهیل‌گری بهزیستی حل کند. حسینی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به حوادث اخیر هم اشاره کرد. به گفته وی این حوادث حتی به مددجویان و سازمان‌های حمایتی نظیر سازمان بهزیستی هم آسیب زده‌است. در جریان حوادث اخیر، بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به مراکز سازمان بهزیستی خسارت وارد شد.

■ ■ ■

سید جواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور در نشست خبری‌اش با اصحاب رسانه گفت: «از همان ابتدا یکی از رسالت‌های اصلی ما این بود که به دیدار خانواده هم‌آسپدیدگان برویم. مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان سازمان در سراسر کشور، حتی برای افرادی که در بازداشت بودند و آنان را نیز جزئی از ملت خود می‌دانیم، به دیدار خانواده‌ها رفتند. ما عمیقاً متأثر و غمگین هستیم از اینکه به هر شکل، آسیبی به خانواده‌های ایرانی وارد شود و وظیفه خود می‌دانیم خدمات حرف‌های، روان‌شناختی و همدلانه را در سراسر کشور ارائه دهیم. این مسیر آغاز شده و آن را یک شروع خوب می‌دانیم.»

■ **طرحی بر اساس مشارکت اجتماعی**

رئیس سازمان بهزیستی درباره طرح جدید این سازمان «سلام» سلامت اجتماعی معلم‌محور» هم توضیحاتی